



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما الصلوة والسلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

نگاهی به سیره

امام صادق
علیه السلام

محمد ابوالحسن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگاهی به سیره امام صادق (ع)

نویسنده:

محمد ابواحسان

ناشر چاپی:

ماهنامه کوثر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	نگاهی به سیره امام صادق (ع)
۶	مشخصات کتاب
۶	کار و تلاش و دستگیری از مستمندان
۶	ساده زیستی و هم‌رنگی با مردم
۶	اشاره
۷	شجاعت
۷	اشاره
۷	هم‌زیستی و مدارا با مسلمانان
۷	علم امام صادق و اقدامات وی
۷	اشاره
۸	دانش امام
۸	ویژگی‌های عصر آن حضرت
۹	اولویت‌ها در نهضت علمی
۹	اشاره
۹	شیوه‌ها و اهداف نهضت علمی و فرهنگی
۹	تربیت راویان
۱۰	تربیت مبلغان و مناظره کنندگان
۱۰	برخورد با انحرافات ویژه
۱۱	پاورقی
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

نگاهی به سیره امام صادق (ع)

مشخصات کتاب

نویسنده: محمد ابواحسن

ناشر: ماهنامه کوثر، شماره ۴۰

کار و تلاش و دستگیری از مستمندان

امام صادق (ع) نه تنها دیگران را دعوت به کار و تلاش می کرد، بلکه خود نیز با وجود مجالس درس و مناظرات و... در روزهای داغ تابستان، در مزرعه اش کار می کرد. یکی از یاران حضرت می گوید: آن حضرت را در باغش دیدم، پیراهن زبر و خشن برتن و بیل در دست، باغ را آبیاری می کرد و عرق از سر و صورتش می ریخت، گفتم: اجازه دهید من کار کنم. فرمود: من کسی را دارم که این کارها را بکند ولی دوست دارم مرد در راه به دست آوردن روزی حلال از گرمی آفتاب آزار ببیند و خداوند ببیند که من در پی روزی حلال هستم. [۱]. حضرت در تجارت نیز چنین بود و بر رضایت خداوند تاکید داشت. لذا وقتی کار پرداز او که با سرمایه ی امام برای تجارت به مصر رفت و با سودی کلان برگشت، امام از او پرسید: این همه سود را چگونه به دست آورده ای؟ او گفت: چون مردم نیازمند کالای ما بودند، ماهم به قیمت گزاف فروختیم. امام فرمود: سبحان الله! علیه مسلمانان هم پیمان شدید که کالایتان را جز در برابر هر دینار سرمایه یک دینار سود نفروشید! امام اصل سرمایه را برداشت و سودش را پذیرفت و فرمود: ای مصادف! چکاچک شمشیرها از کسب روزی حلال آسانتر است. [۲]. حقیقت این است که امام (ع) در نهایت علاقه به کار و تلاش، هرگز فریفته درخشش درهم و دینار نمی شد و می دانست که بهترین کار از نظر خداوند تقسیم دارایی خود با نیازمندان است، حقیقتی که ما هرگز از عمق جان بدان ایمان عملی نداشته و نداریم. امام خود درباره باغش می فرمود: وقتی خرماها می رسد، می گویم دیوارها را بشکافند تا مردم وارد شوند و بخورند. همچنین می گویم ده ظرف خرما که بر سر هر یک ده نفر بتوانند بنشینند، آماده سازند تا وقتی ده نفر خوردند، ده نفر دیگر بیایند و هر یک، یک مد خرما بخورند. آن گاه می خواهم برای تمام همسایگان باغ (پیرمرد، پیرزن، مریض، کودک و هر کس دیگر که توان آمدن به باغ را نداشته)، یک مد خرما ببرند. پس مزد باغبان و کارگران و... را می دهم و باقی مانده محصول را به مدینه آورده بین نیازمندان تقسیم می کنم و دست آخر از محصول چهار هزار دیناری، چهارصد درهم برایم می ماند. [۳].

ساده زیستی و همرنگی با مردم

اشاره

امام همانند مردم معمولی لباس می پوشید و در زندگی رعایت اقتصاد را می کرد. می فرمود: بهترین لباس در هر زمان، لباس معمول همان زمان است. لذا [۴] گاه لباس نو و گاه لباس وصله دار بر تن می کرد. لذا وقتی سفیان ثوری به وی اعتراض می کرد که: پدرت علی لباسی چنین گرانبها نمی پوشید، فرمود: زمان علی (ع) زمان فقر و اکنون زمان غنا و فراوانی است و پوشیدن آن لباس در این زمان، لباس شهرت است و حرام... پس آستین خود را بالا زد و لباس زیر را که خشن بود، نشان داد و فرمود: لباس زیر را برای خدا و لباس نو را برای شما پوشیده ام. [۵]. با این همه حضرت همگام و همسان با مردم بود و اجازه نمی داد، امتیازی برای وی و خانواده اش در نظر گرفته شود. و این ویژگی هنگام بروز بحران های اقتصادی و اجتماعی بیشتر بروز می یافت. از جمله در سالی که

گندم در مدینه نایاب شد، دستور داد گندم‌های موجود در خانه را بفروشد و از همان، نان مخلوط از آرد جو و گندم که خوراک بقیه مردم بود، تهیه کنند و فرمود: «فان الله يعلم انی واجدان اطعمهم الحنطه علی وجهها ولکنی احب ان یرانی الله قد احسنت تقدیر المعیشه.» [۶]. خدا می‌داند که می‌توانم به بهترین صورت نان گندم خانواده‌ام را تهیه کنم؛ اما دوست دارم خداوند مرا در حال برنامه ریزی صحیح زندگی ببیند.

شجاعت

اشاره

امام صادق (ع) در برابر ستمگران از هر طایفه و رتبه‌ای به سختی می‌ایستاد و این شهامت را داشت که سخن حق را به زبان آورد و اقدام حق طلبانه را انجام دهد، هر چند با عکس العمل تندی رو به رو شود. لذا وقتی منصور از او پرسید: چرا خداوند مگس را خلق کرد؟ فرمود: تا جباران را خوار کند. و به این ترتیب منصور را متوجه قدرت الهی کرد. [۷] و آن‌گاه که فرماندار مدینه در حضور بنی هاشم در خطبه‌های نماز به علی (ع) دشنام داد، امام چنان پاسخی کوبنده داد که فرماندار خطبه را ناتمام گذاشت و به سوی خانه‌اش راهی شد. [۸].

همزیستی و مدارا با مسلمانان

امام صادق (ع) شیعیان را به همزیستی با اهل سنت دعوت می‌کرد تا به این طریق هم شیعیان از جامعه اکثریت منزوی نشوند و هم بتوان احکام و اصول شیعی را با ملاحظت به آنان منتقل کرد. از این روی در مدار حق با مسامحه با آنان رفتار می‌شد، اما این سهل گرفتن هرگز به معنای زیر پای گذاشتن اصول نبود و آن‌جا که مسئله اصولی در میان بود، حضرت هرگز تسلیم نمی‌شد. از جمله در یکی از سفرها، امام صادق (ع) به حیره (میان کوفه و بصره) آمد. در آن‌جا منصور دوانیقی به خاطر ختنه فرزندش جمعی را به مهمانی دعوت کرده بود. امام نیز ناگزیر در آن مجلس حاضر شد. وقتی که سفره غذا انداختند، هنگام صرف غذا، یکی از حاضران آب خواست ولی به جای آن، شراب آوردند، وقتی ظرف شراب را به او دادند، امام بی‌درنگ برخاست و مجلس را ترک کرد و فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: «ملعون من جلس علی مائده یشرب علیها الخمر.» [۹]. ملعون است کسی که در کنار سفره‌ای بنشیند که در آن سفره شراب نوشیده شود. امام حتی در مجالس عمومی خلیفه نیز حاضر نمی‌شد؛ زیرا حکومت را غاصب می‌دانست و حاضر نبود با پای خود بدان‌جا برود، زیرا با این کار از ناحق بودن آنان، چشم پوشی می‌شد و تنها زمانی که اجبار بود به خاطر مصالح اهم به آن‌جا می‌رفت؛ لذا منصور ضمن نامه‌ای به وی نوشت: چرا تو به اطراف ما مانند سایر مردم نمی‌آیی؟ امام در پاسخ نوشت: نزد ما چیزی نیست که به خاطر آن از تو بترسیم و بیاییم، نزد تو در مورد آخرت چیزی نیست که به آن امیدوار باشیم. تو نعمتی نداری که بیاییم و به خاطر آن به تو تبریک بگوییم و آنچه که اکنون داری آن را بلا و عذاب نمی‌دانی تا بیاییم و تسلیت بگوییم. منصور نوشت: بیا تا ما را نصیحت کنی. امام نیز نوشت: کسی که آخرت را بخواهد، با تو همنشین نمی‌شود و کسی که دنیا را بخواهد، به خاطر دنیای خود تو را نصیحت نمی‌کند. [۱۰].

علم امام صادق و اقدامات وی

اشاره

آنچه به دوره امامت حضرت امام صادق (ع) ویژگی خاصی بخشیده، استفاده از علم بی‌کران امامت، تربیت دانش طلبان و بنیان

گذاری فکری و علمی مذهب تشیع است. در این باره چهار موضوع قابل توجه است: الف- دانش امام. ب- ویژگی‌های عصر آن حضرت که منجر به حرکت علمی و پایه ریزی نهضت علمی شد. ج- اولویت‌ها در نهضت علمی. د- شیوه‌ها و اهداف و نتایج این نهضت علمی.

دانش امام

شیخ مفید می‌نویسد: آن قدر مردم از دانش حضرت نقل کرده‌اند که به تمام شهرها منتشر شده و کران تا کران جهان را فرا گرفته است و از احدی از علمای اهل بیت علیهم السلام این مقدار احادیث نقل نشده است به این اندازه که از آن حضرت نقل شده. اصحاب حدیث، راویان آن حضرت را با اختلاف آرا و مذاهبشان گردآورده و عددشان به چهار هزار تن رسیده و آن قدر نشانه‌های آشکار بر امامت آن حضرت ظاهر شده که دلها را روشن و زبان مخالفان را از ایراد شبهه لال کرده است. [۱۱]. سید مؤمن شافعی نیز می‌نویسد: مناقب آن حضرت بسیار است تا آن جا که شمارشگر حساب ناتوان است از آن. [۱۲]. ابوحنیفه می‌گفت: من هرگز فقیه‌تر از جعفر بن محمد ندیده‌ام و او حتماً داناترین امت اسلامی است. [۱۳]. حسن بن زیاد می‌گوید: از ابوحنیفه پرسیدم: به نظر تو چه کسی در فقه سرآمد است؟ گفت: جعفر بن محمد. روزی منصور دوانیقی به من گفت: مردم توجه زیادی به جعفر بن محمد پیدا کرده‌اند و سیل جمعیت به سوی او سرازیر شده است. پرسشهایی دشوار آماده کن و پاسخ‌هایش را بخواه تا او از چشم مسلمانان بیفتد. من چهل مسئله دشوار آماده کردم. هنگامی که وارد مجلس شدم، دیدم امام در سمت راست منصور نشسته است. سلام کردم و نشستم. منصور از من خواست سوالاتم را بپرسم. من یک یک سؤال می‌کردم و حضرت در جواب می‌فرمود: در مورد این مسئله، نظر شما چنین و اهل مدینه چنان است و فتوای خود را نیز می‌گفتند که گاه موافق و گاه مخالف ما بود. [۱۴].

ویژگی‌های عصر آن حضرت

عصر امام صادق (ع) همزمان با دو حکومت مروانی و عباسی بود که انواع تضییق‌ها و فشارها بر آن حضرت وارد می‌شد، بارها او را بدون آن که جرمی مرتکب شود، به تبعید می‌بردند. از جمله یکبار به همراه پدرش به شام و بار دیگر در عصر عباسی به عراق رفت. یکبار در زمان سفاح به حیره و چند بار در زمان منصور به حیره، کوفه و بغداد رفت. با این بیان، این تحلیل که حکومت گران به دلیل نزاع‌های خود، فرصت آزار امام را نداشتند و حضرت در یک فضای آرام به تاسیس نهضت علمی پرداخت، به صورت مطلق پذیرفتنی نیست، بلکه امام با وجود آزارهای موسمی اموی و عباسی از هر نوع فرصتی استفاده می‌کرد تا نهضت علمی خود را به راه اندازد و دلیل عمده رویکرد حضرت، بسته بودن راه‌های دیگر بود. چنان چه امام از ناچاری عمداً رو به تقیه می‌آورد. زیرا خلفا در صدد بودند با کوچکترین بهانه‌ای حضرت را از سر راه خود بردارند. لذا منصور می‌گفت: «هذا الشجی معترض فی الحلق جعفر بن محمد مثل استخوانی در گلو است که نه می‌توان فرو برد و نه می‌توان بیرون افکند. بر همین اساس خلفا در صدد بودند ولو به صورت توطئه، حضرت را گرفتار و در نهایت شهید کنند. حکایت زیر دلیل این مدعی است: جعفر بن محمد بن اشعث از اهل تسنن و دشمنان اهل بیت علیهم السلام به صفوان بن یحیی گفت: آیا می‌دانی با این که در میان خاندان ما هیچ نام و اثری از شیعه نبود من چگونه شیعه شدم؟... منصور دوانیقی روزی به پدرم محمد بن اشعث گفت: ای محمد! یک نفر مرد دانشمند و با هوش برای من پیدا کن که ماموریت خطیری به او بتوانم واگذار کنم. پدرم ابن مهاجر (دایی مرا) معرفی کرد. منصور به او گفت: این پول را بگیر و به مدینه نزد عبدالله بن حسن و جماعتی از خاندان او از جمله جعفر بن محمد امام صادق (ع) برو و به هر یک مقداری پول بده و بگو: من مردی غریب از اهل خراسان هستم که گروهی از شیعیان شما در خراسان این پول را داده‌اند که به شما بدهم مشروط بر این که چنین و چنان (قیام علیه حکومت) کنید و ما از شما پشتیبانی می‌کنیم. وقتی پول را گرفتند، بگو: چون من واسطه پول رساندن

هستم، با دستخط خود، قبض رسید بنویسد و به من بدهید. ابن مهاجر به مدینه آمد و بعد از مدتی نزد منصور برگشت. آن موقع پدرم هم نزد منصور بود. منصور به ابن مهاجر گفت: تعریف کن چه خبر؟ ابن مهاجر گفت: پول‌ها را به مدینه بردم و به هریک از خاندان مبلغی دادم و قبض رسید از دستخط خودشان گرفتم غیر از جعفر بن محمد امام صادق (ع) که من سراغش را گرفتم. او در مسجد مشغول نماز بود. پشت سرش نشستم او تند نمازش را به پایان برد و بی آن که من سخنی بگویم به من گفت: ای مرد! از خدا بترس و خاندان رسالت را فریب نده که آن‌ها سابقه نزدیکی با دولت بنی مروان دارند و همه (بر اثر ظلم) نیازمندند. من پرسیدم: منظورتان چیست؟ آن حضرت سرش را نزدیک گوشم آورد و آن چه بین من و تو بود، بازگفت. مثل این که او سومین نفر ما بود. منصور گفت: «یابن مهاجر اعلم انه لیس من اهل بیت نبوه الا وفیه محدث و ان جعفر بن محمد محدثنا» ای پسر مهاجر، بدان که هیچ خاندان نبوتی نیست مگر این که در میان آنها محدثی (فرشته‌ای از طرف خدا که با او تماس دارد و اخبار را به او خبر می‌دهد). هست و محدث خاندان ما جعفر بن محمد (ع) است. فرزند محمد بن اشعث می‌گوید: پدرم گفت: همین (اقرار دشمن) باعث شد که ما به تشیع روی آوریم. [۱۵]. آری این همه نشان از اختناق و فشاری دارد که مانع از هر نوع اقدام علیه حکومت وقت می‌شد، لذا امام به سوی تنها راه ممکن که همان ادامه مسیر پدر بزرگوارش امام باقر (ع) بود، روی آورد و از در دانش و علم وارد شد.

اولویت‌ها در نهضت علمی

اشاره

حال باید توضیح داد که در این مسیر حضرت چه چیزی محتوای این نهضت علمی را تعیین می‌کرد؟ حقیقت این است که جریان نفاق، خطرناک‌ترین انحرافی است که از زمان پیامبر اکرم (ص) شروع شده و در آیات مختلفی بدان اشاره شده است، مانند آیات ۷ و ۸ سوره منافقین. این حرکت هر چند در زمان پيامبر نتوانست در صحنه اجتماعی بروز یابد، اما از اولین لحظات رحلت، تمام هجمه‌های منافقان به یکباره بر سر اهل بیت علیهم السلام فرو ریخت. لذا مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسد: هنگامی که خلافت از اهل بیت علیهم السلام گرفته شد، مردم روی این جریان از آن‌ها روی گردان شدند و اهل بیت علیهم السلام در ردیف اشخاص عادی بلکه به خاطر سیاست دولت وقت، مطرود از جامعه شناخته شدند و در نتیجه مسلمان‌ها از اهل بیت علیهم السلام دور افتادند و از تربیت علمی و عملی آنان محروم شدند. البته امویان به این هم بسنده نکردند و با نصب علمای سفارشی خود، کوشیدند از مطرح شدن ائمه اطهار علیهم السلام از این طریق نیز جلوگیری کنند. چنانچه معاویه رسماً اعلام کرد: کسی که علم و دانش قرآن نزد اوست، عبدالله بن سلام است و در زمان عبدالملک اعلام شد: کسی جز عطا حق فتوا ندارد و اگر او نبود، عبدالله بن نجیع فتوا دهد، از سوی دیگر مردم از تفسیر قرآن نیز چون علم اهل بیت علیهم السلام محروم ماندند با داستانهای یهود و نصاری آمیخته شد و نوعی فرهنگ التقاطی در گذر ایام شکل گرفت. رفته رفته که قیامهای شیعی اوج گرفت و گاه فضاهاى سیاسى به دلایلی باز شد، دو نظریه قیام مسلحانه و نهضت فرهنگی در اذهان مطرح شد. چون قیام‌های مسلحانه به دلیل اقتدار حکام اموی و عباسی عموماً با شکست رو به رو می‌شد، نهضت امام صادق (ع) به سوی حرکتی علمی می‌توانست سوق پیدا کند تا از این گذر علاوه بر پایان دادن به رکود و سکوت مرگبار فرهنگی، اختلاط و التقاط مذهبی و دینی و فرهنگی نیز زدوده شود. لذا اولویت در نهضت امام بر ترویج و شکوفایی فرهنگ دینی و مذهبی و پاسخگویی به شبهات و رفع التقاط شکل گرفت.

شیوه‌ها و اهداف نهضت علمی و فرهنگی

تربیت راویان

از گذر ممنوعیت نقل احادیث در مدت زمان طولانی توسط حکام اموی، احساس نیاز شدید به نقل روایات و سخن پیامبر (ص)، امیر مومنان (ع)، امام (ع) را وامی داشت به تربیت راویان در ابعاد مختلف آن روی آورد. لذا اینک از آن امام در هر زمینه‌ای روایت وجود دارد و این است راز نامیده شدن مذهب به «جعفری». آری، راویان با فراگرفتن هزاران حدیث در علموی چون تفسیر، فقه، تاریخ، مواظ، اخلاق، کلام، طب، شیمی و... سدی در برابر انحرافات ایجاد کردند. امام صادق (ع) می‌فرمود: ابان بن تغلب سی هزار حدیث از من روایت کرده است. پس آن‌ها را از من روایت کنید. [۱۶]. محمد بن مسلم هم شانزده هزار حدیث از حضرت فرا گرفت. [۱۷] و حسن بن علی و شامی می‌گفت: من در مسجد کوفه نهصد شیخ را دیدم که همه می‌گفتند: جعفر بن محمد برایم چنین گفت. [۱۸]. این حجم گسترده از راویان در واقع، کمبود روایت از منبع بی پایان امامت را در طی دوره‌های مختلف توانست جبران کند و از این حیث امام به موفقیت لازم دست یافت. آری، روایت از این امام منحصر به شیعه نشد و اهل سنت نیز روایات فراوانی در کتب خود آوردند. ابن عقده و شیخ طوسی در کتاب رجال و محقق حلی در المعبر و دیگران آماری داده‌اند که مجموعاً راویان از امام به چهار هزار نفر می‌رسند و اکثر اصول اربعه مائمه از امام صادق (ع) است و همچنین اصول چهارصد گانه اساسی کتب اربعه شیعه (کافی، من لایحضره الفقیه، التهذیب، الاستبصار) را تشکیل دادند.

تربیت مبلغان و مناظره کنندگان

علاوه بر ایجاد خزائن اطلاعات (راویان) که منابع خبری موثق تلقی می‌شدند، حضرت به ایجاد شبکه‌ای از شاگردان ویژه همت گمارد تا به دومین هدف خود یعنی زدودن اختلاط و التقاط همت گمارند و شبهات را از چهره دین بزدايند. هشام بن حکم، هشام بن سالم، قیس، مؤمن الطاق، محمد بن نعمان، حرمان بن اعین و... از این دست شاگردان مبلغ هستند. برای نمونه، مناظره‌ای از صدها مناظره را با هم می‌خوانیم: هشام بن سالم می‌گوید: در محضر امام صادق (ع) بودیم که مردی از شامیان وارد شد و به امر امام نشست. امام پرسید: چه می‌خواهی؟ گفت: به من گفته‌اند شما داناترین مردم هستید، می‌خواهم چند سؤال بکنم. امام پرسید: درباره چه چیز؟ گفت: در قرآن، از حروف مقطعه و از سکون و رفع و نصب و جر آن. امام فرمود: ای حرمان! تو جواب بده. او گفت: من می‌خواهم با خودتان سخن بگویم. امام فرمود: اگر بر او پیروز شدی، بر من غلبه کرده‌ای! مرد شامی آن قدر از حرمان سؤال کرد و جواب شنید که خود خسته شد و در جواب امام که: خوب چه شد؟ گفت: مرد توانایی است. هرچه پرسیدم، جواب داد. آن گاه به توصیه‌ی امام حرمان سوالی پرسید و مرد شامی در جواب آن درمانده شد. آن گاه خطاب به حضرت گفت: در نحو و ادبیات می‌خواهم با شما سخن بگویم. حضرت از ابان خواست با او بحث کند و باز آن مرد ناتوان شد. تقاضای مباحثه در فقه کرد که امام زرارۀ بن اعین را به وی معرفی کرد. در علم کلام، مؤمن الطاق، در استطاعت، حمزه بن محمد، در توحید، هشام بن سالم و در امامت، هشام بن حکم را معرفی کردند و او مغلوب همه شد. امام چنان خندید که دندان‌هایش معلوم شد. مرد شامی گفت: گویا خواستی به من بفهمانی در میان شیعیان چنین مردمی هستند. امام پاسخ داد. بلی! و در نهایت او نیز در جرگه شیعیان داخل شد. [۱۹].

برخورد با انحرافات ویژه

امام علاوه بر آن دو حرکت اصولی، برای رفع انحرافات ویژه نیز می‌کوشید، مانند آنچه از مرام ابوحنیفه در عراق گریبان شیعیان را گرفته بود، یعنی مذهب قیاس. چون در عراق تعداد زیادی از شیعیان نیز زندگی می‌کردند و با سنی‌ها از حیث فرهنگی و اجتماعی تا حدودی در آمیخته بودند، لذا احتمال تاثیر پذیری از قیاس وجود داشت. یعنی یک آفت درونی که می‌توانست شیعیان را تهدید کند، لذا امام در محو مبانی مذهب قیاس و استحسان تلاش کرد. مبارزه با برداشته‌های جاهلانه و قرائت‌های سلیقه‌ای از دین نیز

در مکتب امام جایگاه ویژه‌ای داشت و حضرت علاوه بر حرکت کلی و مسیравلی، به صورت موردی با این انحرافات مبارزه می‌کرد. از جمله آن‌ها حکایت معروفی است که باهم می‌خوانیم: حضرت مردی را دید که قیافه‌ای جذاب داشت و نزد مردم به تقوا مشهور بود. او دو عدد نان از دکان نانویی دزدید و به سرعت زیر جامه‌اش مخفی کرد و بعد هم دو عدد انار از میوه فروشی سرقت کرد و به راه افتاد. وقتی به مریضی مستمند رسید، آن‌ها را به او داد. امام صادق (ع) شگفت زده نزد او رفت و گفت: چه می‌کنی؟ او پاسخ داد: دو عدد نان و دو عدد انار برداشتم. پس چهار خطا کردم و خدا می‌فرماید: (من جاء بالسيئه فلا يجزي الامثله) هر کس کار بدی بکند کیفر نمی‌بیند مگر مثل آن را. پس من چهار گناه دارم. از طرف دیگر چون خدا می‌فرماید: (من جاء بالحسنة فله عشر امثالها) هر کس یک کار نیک انجام دهد، برایش ده برابر ثواب هست. و من چون آن چهار چیز (دو نان و دو انار) را به فقیر دادم، پس چهل حسنه دارم که اگر چهار گناه از آن کم کنم، ۳۶ حسنه برایم می‌ماند! امام در برابر این برداشت و قرائت ناصواب که بر عدم درک و احاطه کامل به مبانی فهم آیات بنا شده بود، پاسخ داد که (انما يتقبل الله من المتقين) خداوند کار نیک را از متقین قبول دارد. یعنی اگر اصل عمل نامشروع شد، ثوابی بر آن نمی‌تواند مترتب باشد. آری، دوری از منبع وحی و اخبار اهل بیت رسالت، سبب شد مردانی پای به عرصه گذارند و ادعای فضل کنند که هرگز مبانی فکری قرآن و دین را به خوبی نفهمیده‌اند و از این روی همواره، خود و پیروانشان را به راه خطا رهنمون می‌شوند. [۲۰].

پاورقی

- [۱] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۵۶.
- [۲] همان، ص ۵۹ «سبحان الله تحلفون على قوم الا تبيعونهم الا بريح الدينار ديناراً... ثم قال: يا مصادف! مجالده السيوف اهون من طلب الحلال».
- [۳] وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۴۸۸.
- [۴] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۵۴.
- [۵] اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۶۰.
- [۶] همان، ص ۵۹.
- [۷] تهذیب الکمال، ج ۵، ص ۹۲، (یا ابا عبدالله لم خلق الله الذباب، فقال: لئذل به الجابره).
- [۸] وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۴۲۳.
- [۹] فروع کافی، ج ۶، ص ۲۶۸.]
- [۱۰] مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۳۸.
- [۱۱] ارشاد مفید، ص ۲۵۴.
- [۱۲] منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۳۹.
- [۱۳] الامام الصادق و ابوزهره، ص ۲۲۴؛ جامع المسانید، ص ۲۲۲.
- [۱۴] منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۴۰.
- [۱۵] اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷۵.
- [۱۶] رجال نجاشی، ج ۱، ص ۷۸ و ۷۹؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱، ش ۲۸.
- [۱۷] رجال کشی، ج ۱، ص ۳۸۶.
- [۱۸] همان، ص ۱۳۸ و ۱۳۹.

[۱۹] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۴۰۸.

[۲۰] وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۵۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزیق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

